



پیشتازی نیما/ترانه جوانبخت

پیشتازی شعر نیما یوشیج به دلیل تجربه گرایشی اش است
ترانه جوانبخت

www.javanbakht.net

نیما یوشیج را پدر شعر مدرن فارسی می دانند اما او علاوه بر این که شعر مدرن را در زبان فارسی وسعت داده به عنوان پلی از شعر کلاسیک به شعر مدرن نیز محسوب می شود. پیشتازی شعر نیما نسبت به هم دوره ای های او به دلیل تجربه گرایشی اش در محتواها و ساختارهای مختلف شعری می باشد. نیما به تجربه های شاعران قبیل از خود بسنده نکرد و برای تجربه های شعری جدید کوشید. چون نیما زاده روستاست در اشعارش به زندگی روستایی توجهی ویژه دارد و دور شدن خود از زندگی روستایی را در شعر "بازگردان تن سرگشته" نشان داده است. او در این شعر دوری از دیار خود را با غم و حسرت بیان می کنند.

نیما در اشعار اولیه اش هنوز ذهنیت مدرن را وارد نکرده بود و با دیدی سنتی شعر فارسی می سرود. از اشعار سنتی او می توان به شعر "از قصه رنگ پریده خون سرد" اشاره کرد که در قالب مثنوی سروده شده و در آن از هدیه جانسوز عشق به رنگ پریده یاد کرده است. در این شعر زندگی روستایی کاملاً مشخص است و محتوای آن دل‌بستگی نیما را به روستا نشان می دهد.

غزل "افسانه" در اشعار نیما از جایگاهی خاص برخوردار است. نیما خود ساختار این شعر را برای توصیف طبیعت به سایر قالب های شعر کلاسیک ترجیح داده و علت این ترجیح را آزادی در بیان معانی و شرح طبیعت دانسته است. این شعر یک گفتگوی بلند بین افسانه و عاشق است. افسانه از دلی آشفته سخن می گوید و عاشق شرح درماندگی خود را به او می گوید و افسانه را علاج درد خود و همراه گریه های شبانه خود می داند. عاشق از افسانه می پرسد که آیا او یک قصه است؟ و افسانه در جواب می گوید که قصه عاشق بیقرار است. افسانه از عاشق می خواهد که زندگی را به شادی و خوشی بگذراند اما عاشق به او می گوید که شادی و خوشی جز وهم و فریب نیست و می گوید که صدای او را در آسمان ها فقط فرشته های می شنوند و در پایان این شعر نیما از زبان عاشق می گوید که جز دل عاشق بیقرار کسی خواننده نشسته او نیست.

در برخی از اشعار نیما همانند شعر بلند افسانه می بینیم که سطری آزاد در شعر وجود دارد که در انتهای هر دو بیت می آید. آوردن این سطر آزاد در شعر به بیان شعر بلند کمک بیشتری می کند و در عین حال می تواند به عنوان پلی بین هر دو بیت از شعر با دو بیت بعدی آن به حساب آید. "شیر" و "یادگار" دو نمونه از این اشعار است. در این اشعار نیما از زبان مردم ده و نیز حیوانات به دادن اندرهای زندگی پرداخته است. در شعر "بز ملا حسن" نیما به ساختار دیگری از شعر پرداخته که در آن یک بیت با قافیه دلخواه و چهار بیت با قافیه های یکسان وجود دارد و نیما در پایان این شعر بیتی با قافیه ای آزاد آورده است. نیما به قالب های مثنوی و غزل نیز توجه داشته است. در اشعاری که درباره گل سروده و به آدمی اندرز داده که از غرور گل دوری کند از این قالب های کلاسیک استفاده کرده است. در غزل "گل زودرس" برخلاف مثنوی های قبلی که درباره گل و اندرز به آدمی بود این بار این گل عاشق کش است که گله می کند که بیننده او قدر او را ندانسته و با غفلت از او گذشته است. قابل ذکر است که نیما در پایان این غزل از بیتی با قافیه آزاد استفاده کرده و در واقع آزادی در سرودن غزل را پیشنهاد کرده است.

یکی دیگر از تفاوت های ساختاری که نیما در اشعار خود به آن توجه دارد در شعر بلند "خانواده ی سرباز" است. در این شعر بعد از هر دو بیت از مثنوی دو سطر با قافیه ای متفاوت از آن دو بیت آمده که سطر دوم از سطر اول کوتاه تر است.

نیما در شعر "از ترکش روزگار" به ساختار دیگری رو می آورد. در این شعر هریخش شامل سه سطر است که دو سطر اول و دوم با یکدیگر هم قافیه است اما سطر سوم قافیه آزاد دارد و می توان این شعر را مثنوی در نظر گرفت که قطع شدگی بین بیت ها به دلیل وجود سطر آزاد به طور متناوب انجام شده است. از دیگر ساختارهای شعری نیما در شعرش با عنوان "جامه ی مقتول" دیده می شود که هر سه سطر هم ردیف و هم قافیه با یک بیت به طور متناوب قطع می شود. ساختار مثنوی با سطر آزاد در شعر بلند "سرباز فولادین" نیز دیده می شود. این ساختار به نیما امکان سرودن شعر بلند را داده است و در عین حال این ساختار از مثنوی تفاوت چشمگیری ندارد و سرودن شعر در این ساختار به آسانی سرودن مثنوی است. شعر "ققنوس" نمونه ای از اشعار متفاوت نیماست. در این شعر تحول نسبت به اشعار قبلی او دیده می شود. نیما از این پس سبک خود را بنیان می نهد. او تمایلی به رها کردن وزن در اشعار خود نشان نمی دهد و وزن را با کوتاه و بلند کردن سطرهای شعر یا قافیه های مشخص به کار می برد. نیما شاعر اعتراض است. نمونه ای از این اعتراض را در شعر "آی آدمها" می بینیم که نیما در این شعر به بی تفاوتی آدمها نسبت به همدیگر اعتراض می کند. در اشعار کلاسیک شاعر از عینیت هایی که در اشعارش به کار می برد و اشیاء مختلف را در شعرش معرفی می کند برای اندرز به مخاطب شعر و بیان تاثیر این اشیاء بر روح آدمی استفاده می کند که این نگاه سنتی نیما در اشعار اولیه اش به همین مورد مهم مربوط است اما نیما در اشعار مدرن خود از این نگاه سنتی به نگاه جدیدی رسید که تاثیر روح آدمی بر اشیاء را در شعر خود بیان کرد. در واقع می توان گفت مدرنیسم در شعر به نوعی واژگونی در نگاه شاعرانه برمی گردد که آدمی تاثیرگذار است و آنچه بر آن تاثیر گذاشته می شود اشیاء است. در نگاه مدرن شاعر از اشیاء نشانه های جدیدی در شعر خود می سازد و با دگرگون کردن اشیاء در شعر خود به استقبال مفاهیم جدید می رود. در شعر "در بسته ام" می بینیم که سنگ همان چشم است یعنی شاعر در شعر به جسم بیجان بینایی می دهد و این نگاهی است که در شعر مدرن و جدودند.

در شعر "ناروایی به راه" می بینیم که نیما از شب به عنوان ستم و مرگ یاد کرده و شب وجود را تباهی دانسته است. در شعر "ناقوس" صبح به عنوان رهایی است. در این شعر نیما از ناقوس به عنوان نشانه راه استفاده کرده و می گوید که گذراندن عمر بدون خیر رساندن به دیگران ارزش ندارد. شعر نیما ناقوس و نشانه راهی جدید است. ناقوس هر صدایی نیست بلکه صدایی است که شدتش تاثیر گذار است و شعر نیما چنین است.

مجموعه اشعار نیما یوشیج- انتشارات نگاه- چاپ ششم- ۱۳۸۳- تهران. منبع: